

حیات رو به افول آبادی‌های پایدار شهر یزد

لاله بهروان *

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۸۸/۰۳/۱۱

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۳۸۸/۰۶/۱۸

چکیده:

واژه پایداری مفاهیم متعدد و گسترده‌ای را به ذهن متبادر می‌سازد و بر همگان مسلم است که رسیدن به یک وضعیت پایدار از یک طرف و حفظ آن از طرف دیگر کاری بس دشوار و زمان بر می‌باشد. افراد و ارگان‌های زیادی در جهت تفاهم بر روی ایده پایداری، تبیین و تعریف این واژه، بسط و توسعه و به مرحله عمل درآوردن آن تلاش کرده و می‌کنند. در مقابل این تلاش‌ها آنچه کمتر به آن پرداخته شده و در برخی موارد از دیده‌ها پنهان مانده این است که شرط پایدار ماندن یک پدیده، حفظ، کنترل و نظارت بر تغییر و تحولات انجام شده و عوامل تاثیرگذار بر آن است که هم می‌تواند از جانب خود آن پدیده و یا از جانب محیط پیرامون اعمال گردد. متأسفانه همین غفلت باعث شده است آبادی‌ها که کانون‌های زیستی با ساختار اقتصادی، کالبدی و اجتماعی-فرهنگی منسجم بودند و شکل‌گیری آنها در جهت ایجاد هماهنگی و تعادل بین محیط مصنوع، طبیعی و نیازهای انسان بوده و به عنوان محیط‌های زیستی پایدار شناخته می‌شدند به مرور زمان ویژگی‌های مثبت خود را از دست داده و دیگر امتیازی خاص که آنها را متمایز یا برجسته کند در آنها وجود نداشته باشد و برخی سرانجام به جایی برسند که به یک مخروبه تبدیل شوند. این سیر نزولی با گذشت زمان و پیچیده شدن روابط و عوامل، فزونی یافته و تحولات منفی زیادی را از ابعاد مختلف اجتماعی-فرهنگی، کالبدی، اقتصادی و شامل شده است. این مقاله یادآوری و هشدار است جهت حفظ سرمایه‌هایی که برای دستیابی و داشتن بخش کوچکی از آنها بهای زیاد، تلاش فوق العاده و زمان طولانی لازم است.

واژگان کلیدی: آبادی، طبیعت، پایداری، باغ-محلّه.

*فارغ التحصیل کارشناسی ارشد دانشکده معماری یزد

آنچه که عمده مطالعات انجام شده در این مقاله حول محور آن حرکت می‌کند، دستیابی به شناختی کاملتر از لحاظ نحوه پیدایش، ویژگی‌ها و جایگاه آبادی‌های گذشته شهر یزد، تغییر و تحولات ایجاد شده در آنها در طول زمان و ما به ازای این تغییرات، تبدیل آنها به مکان‌های زیستی با ویژگی‌های جدید می‌باشد. این مقاله، شامل ۲ قسمت کلی است که در قسمت اول ابتدا به سراغ آبادی‌های گذشته شهر یزد رفته و با بررسی کلیاتی در مورد آنها به معرفی ویژگی‌های عمده و مشترکشان می‌پردازد و سعی می‌کند تا تصویری کلی از آنها نشان داده و به سوالات زیر پاسخ دهد.

- به طور کلی این آبادی‌ها چگونه شکل گرفته‌اند؟

- ویژگی عمده آنها چه بوده و آیا می‌توان آنها را

به عنوان محیط‌های زیست پایدار تلقی کرد؟

بعد از یک شناخت کلی نسبت به این آبادی‌ها، در قسمت دوم به شناخت وضعیت جدید و مسایل موجود در آبادی‌ها از طریق بازخوانی سرنوشت کلی آنها در طول تاریخ و تحولات گریبانگیرشان می‌پردازد و لزوم یک رویکرد مجدد با تاکید بر نگاه به آینده را یادآوری می‌کند. به نظر می‌رسد پرداختن به این موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا چنین سرنوشتی کمابیش برای هر آبادی دیگری در هر نقطه جغرافیایی ممکن است رقم بخورد.

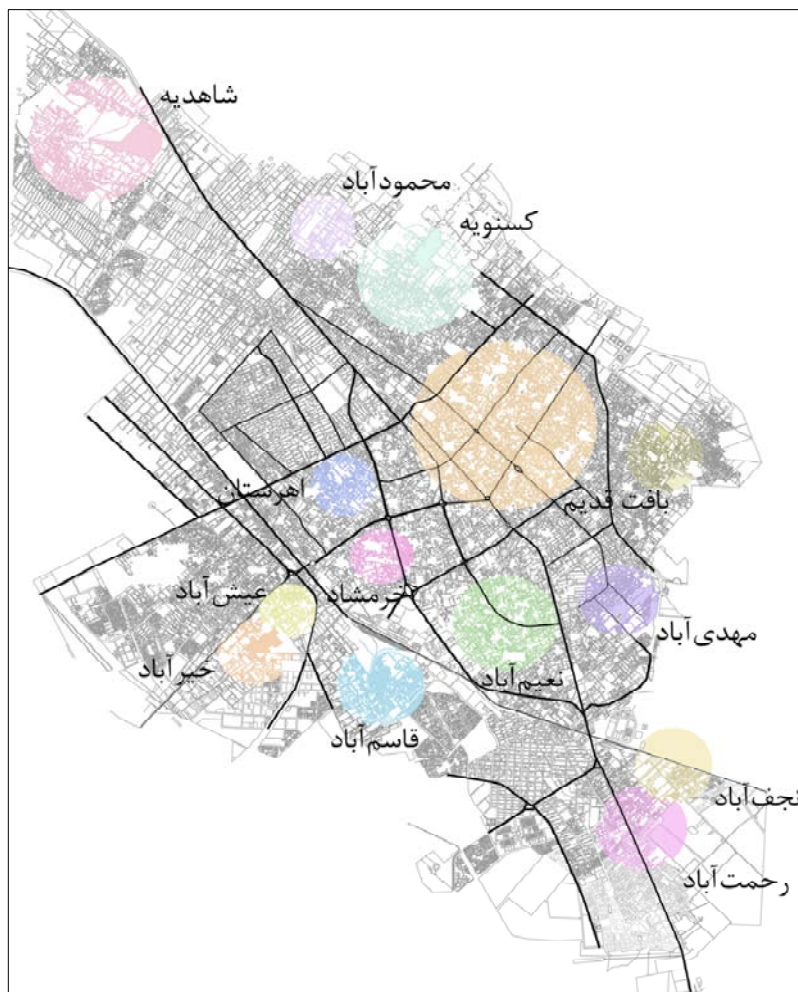
کلیاتی در مورد آبادی‌های شهر کویری یزد

با وجود آنکه شهر یزد به علت خشکی هوا و بخل آسمان و طبیعت کویری همواره با ستم و سختی طبیعت دست و پنجه نرم کرده با این حال احداث باغ، باغستان و آبادی در اکثر دوره‌های تاریخی یزد وجود داشته

است. یزد به استناد کتب تاریخی، از زمان‌های قدیم تا عصر صفوی چند بار وسعت یافته و روی آبادانی دیده است. در بعضی از دوره‌ها به ساخت و ساز عمارات و زینت دادن به شهر می‌پرداختند، زمانی آبادی‌های متعدد در شهر به وجود می‌آوردند و گاهی بر دامنه یابی شهر و آبادانی حوالی آن کوشش قابل توجهی داشته‌اند. همانطور که از کتب تاریخی استناد می‌شود قدمت اولین آبادی‌های ایجاد شده حوالی یزد تقریباً به زمان شکل‌گیری بخش‌های اولیه شهر بر می‌گردد. از همان زمان توجه به زراعت، کشاورزی و ایجاد قنوات وجود داشته که البته بسته به نوع نگرش حکومت وقت و مسایل اقتصادی، سیاسی و... در هر دوره‌ای شاهد رتبه عددی متفاوتی از نظر تعداد آبادی‌ها بوده‌ایم.

از مطالعه تاریخ یزد قبل از دوره اسلامی معلوم می‌شود که اکثر آبادی‌هایی که امروزه جزو شهرستانهای مهم و عمده یزد هستند مانند مهریز، میبد، خورمیز، فهرج و... قبل از اسلام شکل گرفته‌اند

"از مطالعه تاریخ یزد قبل از دوره اسلامی معلوم می‌شود که اکثر آبادی‌هایی که امروزه جزو شهرستانهای مهم و عمده یزد هستند مانند مهریز، میبد، خورمیز، فهرج و... قبل از اسلام شکل گرفته‌اند. اما در اوایل دوره اسلامی تا زمان کاکویان آبادی خاصی احداث نشد و از دوره اتابکان نیز تا زمان آل مظفر، آبادی‌ها و باغستان‌های محدودی در یزد و اطراف آن به وجود آمدند. این روند احداث آبادی در زمان آل مظفر دچار دگرگونی شد و به اوج



نقشه شماره ۱: آبادی‌های قدیم شهر یزد که در حال حاضر جزوی از شهر شده‌اند

دوره این روند سیر نزولی را تا زمان حال دنبال کرده است) برخی از اسامی این آبادی‌ها عبارتند از: مبارزآباد، ترکان‌آباد، شاه‌آباد، بدرآباد، مظفرآباد، علی‌آباد، خاتون‌آباد، مظفرآباد زارچ، دیلم‌آباد، احمدآباد، سلطان‌آباد، محمدآباد و نعیم‌آباد. این آبادی‌ها و حتی باغستان‌ها را اکثراً افراد تراز اول و فرزندان آنها در مکانهایی که از نظر آب و هوا و ویژگی‌های طبیعی مساعد بودند، ساخته و عاملان خود را می‌فرستادند تا

خود رسید به طوری که در آن زمان مساحت یزد دو برابر گردید. بخش‌های زیادی که قبلاً خارج از محدوده یزد بودند، داخل حصار و عمارات زیادی ساخته شدند. مرمت قنوات و آبادی‌های اطراف نیز از جمله فعالیت‌های عمرانی آن زمان محسوب می‌شد. " (کاتب، احمد بن حسین بن علی، ۲۵ الی ۷۳)

به طور کلی این دوره از مهم‌ترین ادوار تاریخی یزد در زمینه احداث باغ و آبادی می‌باشد. (بعد از آن



تصاویر شماره ۱ و ۲: مسیری ارگانیک در محله نعیم آباد

در وصف آنها شعرها سروده و مورخان در توصیف آنها تشبیهات و صنایع ادبی به کار می‌گرفتند. به طور مثال در ذکر باغ امیر شمس الدین محمد میرک پسر امیر جلال الدین چقماق آمده است:

"زمین باغ پر از لاله و ریحان بود و نسیمش چون دم عیسوی مرده زنده کرده و باغبانش آزادان را بنده ساخته، قصر پر نورش چون روضه فردوس معمور و ساحت و طنبی و حوضخانه اش عشرتخانه غلمان و حور بودی." (کاتب، احمد بن حسین بن علی، ۲۰۱)

ویژگی‌های عمده آبادی‌ها

آبادی‌ها بر اساس دو عامل طبیعی آب و گیاه شکل گرفته و در آنها طبیعت نقش یک عنصر اصلی از سیستم کل را بر عهده داشته که در اشکال گوناگون حضور یافته است. از مشخص‌ترین شکل حضور طبیعت می‌توان به باغ اشاره کرد که ابعاد متفاوتی از حضور این پدیده در زندگی خصوصی مانند حیاط خانه‌ها و زندگی جمعی مانند فضاهای سبز عمومی را می‌توان برشمرد. در آبادی‌ها الگوهای بی‌نظیر پیوند،



تصویر شماره ۳: کوچه-باغی در محله نعیم آباد

فعالیت‌هایی مثل ساخت قلعه، دژ، دروازه و... انجام دهند، قنات احداث کنند و باغ‌های میوه به وجود آورند. این آبادی‌ها علاوه بر اینکه به عنوان مکان‌های خوش آب و هوا و بیلاقی شناخته می‌شدند از نظر سیاسی نیز برای حکومت وقت نشان دهنده قدرت، عاملی جهت ماندگار شدن نامشان و مکانی برای برگزاری برخی از مراسم خاص بوده‌اند. این مکان‌ها از طرف مردم نیز استقبال می‌شدند و آنها در مکانهایی که زمین‌های حاصلخیز و مستعدی می‌یافتند ساکن شده و کم‌کم این آبادی‌ها را شکل می‌دادند. برای شهری کویری مثل یزد، چنین محیط‌هایی مانند بهشت کوچک بوده که شاعران

از جمله تاثیرات روانی طبیعت اثر فرح‌بخشی آن بوده، به این دلیل که از یک سو همواره یک آرامش و سکوت دلپذیری را به افراد هدیه می‌داده و از سویی دیگر زیبایی، نظم و هارمونی موجود در بین عناصر آن دلیل و زمینه‌ای برای آرامش و قرار انسان بوده است

از جمله تاثیرات روانی طبیعت اثر فرح‌بخشی آن بوده، به این دلیل که از یک سو همواره یک آرامش و سکوت دلپذیری را به افراد هدیه می‌داده و از سویی دیگر زیبایی، نظم و هارمونی موجود در بین عناصر آن دلیل و زمینه‌ای برای آرامش و قرار انسان بوده است. آبادی‌ها از طرف دیگر محیط مناسبی برای پاسخگویی به نیازهای معنوی انسان به وجود آورده‌اند. نیاز به استفاده از طبیعت مخصوصاً امروزه که زندگی ماشینی در حال توسعه است به عنوان یک منبع شناخت، تفکر و تذکر آشکار است. انسان فطرتاً به دنبال کشف اسرار "هستی" است و به این دلیل که فطرت پاک انسان برگرفته از طبیعت است لذا جواب بسیاری از سوالات خود را می‌تواند از دل طبیعت پیدا کند. طبیعت به دلیل بی‌پرده بودن، ناب و خالص بودن، انسان را به سمت یافتن سر منشا هستی رهنمون می‌سازد. طبیعت به تنهایی بزرگترین آموزگار خودشناسی و خداشناسی است و زمینه تفکر و تذکری را که برای ساکنان به وجود می‌آورد نه تنها نیازهای معنوی آنها را برآورده می‌سازد بلکه بر روی روابط و ارتباطات معنوی بین آنها نیز تاثیرات مثبتی می‌گذارد. باغ‌ها همچنین پررنگترین نقش را در زندگی و معیشت افراد بر عهده داشته‌اند. به طوریکه ارتباط با طبیعت دست نخورده سادگی خاصی را که

ارتباط و درهم‌تنیدگی باغ، معماری و ساکنان را می‌توان مشاهده کرد. پیوندی که بر ساختار و شکل کالبدی از یک سو، جنبه‌های معنوی، مفهومی و روانی زندگی اجتماعی از سوی دیگر و همچنین نیازهای محیطی و حیاتی مردمان و زیستگاه آنان تاثیرگذار است. از خصوصیات عمده آبادی‌ها می‌توان به ارتباط انسان با طبیعت، ارتباط طبیعت و معماری، اکولوژی پایدار و انسجام ساختار اجتماعی- فرهنگی- کالبدی آن اشاره کرد که هم برخاسته از ویژگی جامعه محلی بودن آن و هم برخاسته از طبیعتی است که با آن شکل گرفته است.

آبادی‌ها تأمین کننده رابطه انسان با طبیعت بوده و فرصتی همیشگی را برای حضور و بودن در طبیعت برای ساکنین خود فراهم می‌آورده و یک محیط پاک و سالم را به صورت دائمی در اختیار ساکنین قرار می‌دادند

آبادی‌ها تأمین کننده رابطه انسان با طبیعت بوده و فرصتی همیشگی را برای حضور و بودن در طبیعت برای ساکنین خود فراهم می‌آورده و یک محیط پاک و سالم را به صورت دائمی در اختیار ساکنین قرار می‌دادند. با توجه به نحوه زندگی مردم و معیشت آنها که اکثراً بر پایه کشاورزی استوار بوده بیشترین شکل حضور طبیعت به صورت باغ نمود می‌یافته که عرصه زندگی خصوصی و محل کسب درآمد افراد را هم تشکیل می‌داده است و به دلیل اینکه بیشترین ساعات روز در باغ‌ها سپری می‌شده، به دلیل ارتباط مستقیم با فضای سبز بیشترین تاثیر را از نظر روحی- روانی و معنوی بر ساکنان داشته است.

می‌کرد، باغات خصوصی منازل و حیاط خانه‌ها بود که به صورت باغ یا خانه-باغ نمود پیدا می‌کرد و به عنوان قلب بنا حائز اهمیت ویژه بود. اکثر فضاها در اطراف این عنصر اصلی شکل می‌گرفتند و سعی می‌کردند بیشترین ارتباط بصری و دسترسی را با این عنصر میانی برقرار سازند. لذا طبیعت در تمام عرصه‌های خصوصی تا عمومی به چشم می‌خورد و عناصر مصنوع رنگ و بوی طبیعی به خود می‌گرفتند.

یکی از مهم‌ترین فضاهایی که ارتباط انسان با طبیعت و عناصر مهم آن را برقرار می‌کرد، باغات خصوصی منازل و حیاط خانه‌ها بود که به صورت باغ یا خانه-باغ نمود پیدا می‌کرد و به عنوان قلب بنا حائز اهمیت ویژه بود

همچنین آبادی‌ها از دو جنبه یکی وجود طبیعت و عناصر طبیعی و دیگری نوع ساختار کالبدی نقش مهمی را در ایجاد یک اکولوژی پایدار ایجاد می‌کردند. امروزه فواید اکولوژیکی باغ‌ها و نقشی که در تلطیف فضای مصنوع و محیط ماشینی شهرها دارند مانند کاهش دمای محیط، تولید اکسیژن، تصفیه هوا، جذب گرد و غبار و کاهش آلودگی هوا، کاستن میزان باد و کاهش زلزله و محلی برای استقرار پرندگان ایفا می‌نمایند ضرورت وجودشان در شهرها را محرز می‌نماید. علاوه بر آن تماس انسان با طبیعت لازمه یک زندگی سالم و انسانی است. وجود فضای سبز و آب روان در عرصه‌های عمومی و خصوصی و در لابه لای ابنیه نقش مهمی را در کاهش انرژی گرمایی در فصل تابستان بر عهده داشته‌اند و در مقابل جداره‌های خشتی ضخیم خانه‌ها عایق مناسبی در

از زندگی در چنین طبیعی نتیجه می‌شده ایجاد می‌کرده که این سادگی هم در نوع روابط اجتماعی و هم در نوع زندگی ساکنین وجود داشته است. کار و زندگی در طبیعت سبز، روحیه شاد و بدون تنش و به دنبال آن برخوردهای اجتماعی دوستانه و صمیمی‌تر، زندگی ساده و بدون ریا، زندگی به دور از تجملات و تزئینات کاذب و همچنین آرامش و راحتی را برای مردم به ارمغان می‌آورده است.

انسان فطرتاً به دنبال کشف اسرار "هستی" است و به این دلیل که فطرت پاک انسان برگرفته از طبیعت است لذا جواب بسیاری از سوالات خود را می‌تواند از دل طبیعت پیدا کند

علاوه بر رابطه بین انسان و طبیعت، محیط مصنوع نیز دارای تعامل مناسبی با طبیعت بوده و ما تلفیقی از طبیعت و معماری را در آبادی‌ها داشته‌ایم. درهم تنیدگی و نحوه ارتباط بین محیط طبیعی و مصنوع و نظام‌دهی و شکل‌گیری کلی آنها در جهت ایجاد هماهنگی و تعادل و رفع نیازهای انسان بوده است. در مقیاس کلان سازماندهی کلی بر این اساس بوده تا کمترین آسیب را به منابع طبیعی مانند آب و فضای سبز وارد آورد. از طرف دیگر در نقاط جغرافیایی مختلف با ویژگی‌های اقلیمی متفاوت، نحوه پراکندگی و فشردگی فضاهای ساخته شده در جهت استفاده بهینه از نور، باد و دیگر عوامل طبیعی به منظور رفع نیازهای انسان متفاوت می‌شده است. ساخت ابنیه اکثراً بوم‌آورد بوده و مصالح ساختمانی مصرفی از دل طبیعت به دست می‌آمدند.

در مقیاس کوچکتر نیز یکی از مهم‌ترین فضاهایی که ارتباط انسان با طبیعت و عناصر مهم آن را برقرار

برابر نفوذ سرمای زمستان به حساب می‌آمده‌اند. وجود کوچه-باغ‌های سرسبز و باریک مسیرهای حرکتی پیاده دلپذیری را ایجاد می‌نمودند به طوری‌که برخی از فعالیت‌ها به محیط بیرون سوق داده می‌شدند. شستن ظروف، لباس و.. اموری هستند که هنوز هم در برخی از آبادی‌ها به عنوان یک فعالیت جمعی در بین همسایه‌ها انجام می‌گیرد.

از سوی دیگر آبادی‌ها مانند محلات متعدد شکل گرفته در حوزه درونی شهر از خانواده‌هایی شکل می‌گیرند که در یک حوزه جغرافیایی یا در یک منطقه معین دور هم جمع می‌شوند که از نظر ویژگی‌های طبیعی قابلیت‌هایی خاص را دارا می‌باشند. از نظر روابط اجتماعی، ساکنین مانند هر محله دیگر روابط گرم و صمیمانه‌ای دارند و در بین آنها اعتقادات، نگرش‌ها و تعلق به یک فرهنگ خاص کاملاً آشکار است. به طور کلی ساختار اجتماعی- فرهنگی به دلیل ذات موجودیت محله از انسجام خاصی برخوردار است با این تفاوت که عامل طبیعت به خاطر نقشی که از ابعاد مختلف روانی، معنوی و اکولوژی دارا می‌باشد بر روی خلق و خوی و نوع روابط ساکنین آنها تأثیر گذاشته و روابط فطری‌تری را بروز می‌دهد. زندگی‌های ساده و بدون تکلف و برخوردهای ساده و خودمانی از ویژگی‌های بارز ساکنین می‌باشد. از طرف دیگر کالبد آن نیز در عین تلفیق با طبیعت از اصول و قوانین ویژه‌ای پیروی می‌کند. جایگیری مکان‌های عمومی، ارتباط فضاهای مسکونی با آنها، ارتباط فضای کار و زندگی (باغات و مزارع) و ... دارای روابط خاصی است که در مقیاسهای کوچکتر نیز (عرصه‌های خصوصی) می‌توان نمونه آنها را مشاهده کرد و همین روابط بسته به محل و موقعیت آنها با هم متفاوت می‌شود. گاهی مانند شهرهای شمالی

بافتی بسیار پراکنده و ارگانیک از لحاظ ترکیب فضاهای طبیعی و مصنوع وجود دارد و گاهی مانند روستاها و آبادی‌های شهرهای کویری فشردگی بافت مسکونی با وجود ورود طبیعت مابین آنها حفظ می‌گردد. وجود ویژگی‌های طبیعی، همچنین بر روی اقتصاد آنها تأثیر می‌گذارد، به طوری که در اکثر موارد اقتصاد آنها بر پایه کشاورزی و دامداری و حرفه‌های وابسته استوار است. ساکنین آبادی‌ها تقریباً از پایگاه اقتصادی مشترکی بهره‌مند بوده‌اند مانند محلاتی که امروزه برای افراد خاصی مانند اساتید طراحی می‌شود یا در قدیم محلاتی مثل محله قصاب‌ها وجود داشته است. البته امروزه این مشاغل (کشاورزی و دامداری) کم کم جایگاه خود را از دست داده و جوانان آنها تمایلی به ادامه این فعالیت‌ها نداشته و از طریق مشاغل جدید امرار معاش می‌کنند و لذا به مرور زمان طبیعت این محلات کارکرد اقتصادی خود را از دست می‌دهند و همین عامل باعث تمایل مالکین به جایگزینی آنها با کاربری‌های به صرفه‌تر می‌باشد.

آبادی‌های دیروز، محیط‌های زیستی پایدار

"ایده پایداری عموماً مفهومی است که هر سه مولفه زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی را توأم مورد توجه قرار می‌دهد." (حمیده، سارا، نویدپور، محمد رضا، ۱۹، ۱۳۸۶)

با توجه به آنچه در بخش‌های قبل اشاره شد آبادی‌ها کانون‌های زیستی با ساختار اقتصادی، کالبدی و اجتماعی- فرهنگی منسجم بودند. شکل‌گیری آبادی‌ها در جهت ایجاد هماهنگی و تعادل بین محیط مصنوع، طبیعی و نیازهای انسان بوده و کیفیت زندگی بر مسائل و امور کمی ارجحیت داشته و به عنوان

تمام ابعاد کالبدی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و... دانست.

تحولات گریبانگیر آبادی‌ها در گذر زمان

از دوره آل مظفر تا دوران معاصر از رونق احداث باغ و به خصوص آبادی کاسته شده و بیشتر اتفاقات مربوط به تغییر و تحولات انجام شده در آبادی‌های موجود بوده است. از دهه ۱۳۰۰ به بعد در اکثر شهرهای ایران، تغییرات زیادی در ساخت و ساز مشاهده شد که همه ناشی از تغییرات ساختار اقتصادی - اجتماعی شهر بود. علاوه بر تغییراتی که در شهرسازی و معماری جدید حادث شد در وضع موجود نیز دگرگونی‌هایی مشاهده می‌شد. بخش‌هایی تخریب و بخش‌هایی دچار تغییرات می‌شدند. با سرعتی کمتر از تغییرات ایجاد شده در شهر، چهره آبادی‌ها نیز تغییر می‌کرد.

آبادی‌هایی که امروزه جزو یزد هستند تغییر و تحولات زیادی را پذیرا شده‌اند، دیگر نه مثل سابق ویژگی‌های روستایی دارند و نه به خاطر ویژگی‌های کالبدی خاص و تیپولوژی باغ - محله‌ای می‌توان آن را کاملاً مشابه محله‌های دیگر دانست

بر اثر توسعه شهر، بسیاری از این آبادی‌ها را بلعیده و آنها نیز متأثر از تحولات درونی و تغییرات اعمال شده از جانب شهر کم‌کم خود را با این تغییرات همگام و همراه کردند. همانطور که اشاره شد آبادی‌هایی که امروزه جزو یزد هستند تغییر و تحولات زیادی را پذیرا شده‌اند، دیگر نه مثل سابق

ارزش تلقی می‌شده است. محیط به خصوص از جنبه غیر کالبدی شرایط ایده‌الی را به وجود می‌آورده تا انسان بتواند نیازهای خود را همه جانبه برآورده سازد. نیازهای غیرفیزیکی که شاید انسان مستقیماً متوجه آنها نشده و یا آنها را به عنوان نیاز خود کشف نکرده آنقدر خوب پاسخ داده می‌شده که فرد هیچگاه کمبود یا نارضایتی به دلیل نداشتن نیازهای فیزیکی خود احساس نمی‌کرده است. محیط آن چنان انرژی‌بخش و روحیه‌بخش بوده

آبادی‌ها کانون‌های زیستی با ساختار اقتصادی، کالبدی و اجتماعی - فرهنگی منسجم بودند. شکل‌گیری آبادی‌ها در جهت ایجاد هماهنگی و تعادل بین محیط مصنوع، طبیعی و نیازهای انسان بوده و کیفیت زندگی بر مسائل و امور کمی ارجحیت داشته و به عنوان ارزش تلقی می‌شده است

که افراد بیشتر به داشته‌های خود فکر می‌کردند تا نداشته‌ها. ارتباط با طبیعت در آبادی محیط مناسبی را برای پاسخگویی نیازهای روانی و معنوی ساکنین به وجود می‌آورده است. افراد دارای سرمایه‌ای با ارزش بودند و چون همه به یک اندازه و به هر اندازه که می‌خواستند می‌توانستند از آن استفاده کنند لذا یک عدالت غیر محسوس بین آنها وجود داشته که همین عدالت تصور ایجاد طبقات مختلف اجتماعی، توقع بیش از حد از زندگی و ... را به وجود نمی‌آورده است و همه از سادگی طبیعت الگو می‌گرفتند. از بعد اکولوژی نیز آبادی‌ها محیط زیست مناسبی بودند و در آنها منابع طبیعی، حفظ و توسعه کمی و کیفی می‌یافته‌اند. با این توضیحات و با تعریفی که از پایداری ارائه شد به نظر می‌رسد می‌توان آبادی‌ها را محیط‌های زیست پایدار در

ویژگی‌های روستایی دارند و نه به خاطر ویژگی‌های کالبدی خاص و تیپولوژی باغ-محلله‌ای می‌توان آن را کاملاً مشابه محله‌های دیگر دانست. این محلات به بافت‌های تراکم ویژه نیز معروفند (به دلیل تیپولوژی خاص خانه، خانه-باغ، باغ) و هر چند که ساختار کلی آنها (شبکه راه‌ها، قطعه بندی‌ها، دانه‌های موجود) معمولاً از زمان‌های قدیم شکل گرفته است ولی تفاوت آنها با بافت قدیم وجود باغات، مزارع و زمین‌های بایری است که امروزه فرصت ساخت و سازهای جدید قانونی یا غیر قانونی را به وجود آورده‌اند. زمانی کاشت درخت، ایجاد مزارع و کشتزارها، جزو افتخارات و نشان دهنده قدرت و توانایی حکومت بود، اما بعد از گذشت سال‌ها مزارع با بی مهری بسیار می‌بایست جایشان را به کاربری‌های سودآور دیگر مانند تجاری و حتی مسکونی می‌دادند. تخریب شبانه باغات و خشکاندن آنها هنوز هم به چشم می‌خورد و ساختمان‌سازی که زمانی برای خود هویت و سبک خاصی را دنبال می‌کرد با واقع شدن در حیطه معماری‌های متنوع‌تر، دچار سردرگمی شد و به قول معروف به جای آنکه راه رفتن کبک را یاد بگیرد راه رفتن خود را نیز فراموش کرد.

توسعه شهرنشینی مشکلات زیادی را برای مدیران، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شهری به وجود آورده است. از جمله ترافیک شهری، از بین رفتن زمین‌های کشاورزی حاشیه شهرها، آلودگی هوا، کمبود فضای سبز، آلودگی آب و خاک، آلودگی‌های صدا، بیکاری، فقر و ...

این آبادی‌ها که امروزه بخشی از بافت شهر یزد را شکل می‌دهند از تمام ابعاد کاملاً به شهر پیوسته‌اند به

طور مثال اگر آنها زمانی از یک پایگاه اقتصادی مستقلی برخوردار بودند امروزه اقتصادشان کاملاً به کل سیستم شهر وابسته شده و حتی اقتصادشان تحت تاثیر عوامل مختلف تحول یافته است و همچنین از نظر کالبدی اگر زمانی یک محدوده تعریف شده و منفصل از شهر را دارا بودند در حال حاضر دیگر امکان تفکیک و گاهی تشخیص محدوده آنها وجود ندارد. ضمن آنکه تغییراتی که در زمینه کالبدی صورت گرفت بسیار سریع پذیرفته شد. آبادی‌ها از زمان شکل‌گیری تا زمان حال، تغییرات زیادی را متقبل شدند که اکثر این تغییرات جنبه منفی و در جهت کاهش کیفیت‌های زیست محیطی آنها بوده است. در صورتی که در ابتدای شکل‌گیری نوع نگرش به آنها همراه با احترام و در جهت توسعه آنها بوده و تمام تلاش‌ها در جهت ارتقاء کیفیت جهت سکونت صورت می‌گرفته است. متأسفانه از زمانی که شهرها رو به توسعه گذاشتند، از توجه به این آبادی‌ها کاسته شد و کم‌کم با مسائلی ازجوانب مختلف روبرو شدند. خوشبختانه با این حال هنوز رنگ و بوی فرهنگی خاصی که متعلق به آنهاست در برخی از آنها دیده می‌شود. برخی از این آبادی‌ها اگر چه در حال حاضر جزوی از یزد شده‌اند، هنوز یکدستی خود را حفظ کرده و به آن پایبندند.

"توسعه شهرنشینی مشکلات زیادی را برای مدیران، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شهری به وجود آورده است. از جمله ترافیک شهری، از بین رفتن زمین‌های کشاورزی حاشیه شهرها، آلودگی هوا، کمبود فضای سبز، آلودگی آب و خاک، آلودگی‌های صدا، بیکاری و فقر،..." (مفیدی، سید مجید؛ شایان، لیلا؛ ۱۳۸۶، ۹۶) در یک نمونه عملی که انجمن

- دسته سوم مسائلی که از خود آبادی‌ها ناشی می‌شوند، مانند عدم پی‌گیری مردم نسبت به تخریب محیط طبیعی اطرافشان، کاهش روابط اجتماعی و عدم ثبات سکونت افراد بومی آبادی که باعث وجود فرهنگ‌های متفاوت و اغتشاش و از بین رفتن یکدستی اجتماعی می‌شود.

جمع بندی

"شهرهای کویری همچون سایر شهرهای ایران از ابتدای قرن گذشته در معرض تحولات کالبدی قرار گرفته‌اند که با آهنگ تحولات تاریخی و تدریجی این سکونتگاه‌های ارگانیک تفاوت فاحشی داشته است." (مفیدی، سید مجید، شایان، لیلا، ۱۳۸۶، ۹۵) در این خلال آبادی‌های آنها نیز نتوانستند از این فرطه جان سالم به در ببرند و شاید با تغییراتی چشمگیرتر از آنچه در شهرها اتفاق می‌افتد از هویت اصلی خود فاصله می‌گرفتند. همانطور که اشاره شد عوامل متعددی در این جریان نقش دارند ولی به نظر می‌رسد آنچه از همه مهم‌تر است نبود یک چشم انداز مناسب و مطلوب در مورد وضعیت آینده این آبادی‌ها می‌باشد که آنها را هدفمند به سمت وضعیت پایدار جدید هدایت کند. با مطالعه طرح‌های فرادست شهر یزد مشخص است که بیشتر پیشنهاداتی که این طرح‌ها در این زمینه ارائه داده‌اند تاکنون با موفقیت روبرو نبوده، که در اینجا لازم است در مورد عدم موفقیت پیشنهاداتی که به نظر مناسب می‌رسیدند و همچنین ارائه راهکارهایی که می‌تواند آنها را به عمل نزدیک‌تر کند، توضیحاتی داده شود.

اکولوژیکی توسعه پایدار EISD بر روی روستای HUNGARY انجام داده است مسائل موجود در این روستا را جهت انجام عملی توسعه پایدار چنین ذکر می‌کند: جمعیت در حال کاهش، مهاجرت جوانان به شهرهای بزرگتر، ساختار سنی نامتعادل، فقر نسبی، کمبود امکانات اجتماعی، فرصت‌های محدود شده برای بیان فرهنگی،... که به نظر می‌رسد این عوامل در بسیاری از اجتماعات با چنین ساختاری مشترک می‌باشند.

به طور کلی عواملی که حیات این آبادی‌ها را تهدید می‌کنند، می‌توان به ۳ دسته عمده تقسیم کرد:

- دسته اول عواملی که از جانب شهرهایی که در حین توسعه این آبادی‌ها را در بر می‌گیرند به وجود می‌آیند، مانند تغییر در نحوه ساخت و ساز در آبادی در جهت هماهنگ شدن با محیط پیرامونی جدید، تغییر در سیستم حمل و نقل جدید در جهت پیوستگی با محیط پیرامونی جدید، از بین رفتن بخش زیادی از فضای سبز آبادی در جهت پذیرش تغییرات ذکر شده و همچنین تغییرات فرهنگی و اجتماعی مانند از بین رفتن بسیاری از فعالیت‌های گروهی مردم به دلیل از بین رفتن عرصه شکل‌گیری آن و یا عدم پذیرش این فعالیت‌ها از طرف جامعه گسترده‌تر پیرامون؛

- دسته دوم مسائلی ناشی از ضعف و عدم توجه طرح‌های فرادست در مقابل وضعیت جدید آبادی‌ها که به خصوص امروزه اثرات منفی آن بیشتر دیده می‌شود، مانند نبود ضوابط طراحی در طرح‌های جامع و تفصیلی برای این وضعیت جدید آبادی‌ها و در نتیجه ساخت و سازهای جدید بی‌ضابطه و از بین رفتن ارزش‌های طبیعی موجود در آنها به دلیل تغییر کاربری در جهت سود اقتصادی بیشتر و همچنین عدم رسیدگی به مساله فرسایش و فرسودگی تدریجی بافت کالبدی؛

۱- پیشنهاد حفظ باغات و زمین‌های کشاورزی

این پیشنهاد یکی از فاکتورهای مهمی است که می‌بایست مورد تاکید قرار می‌گرفت ولی متأسفانه با موفقیت روبرو نبود. یکی از مهم‌ترین عواملی که در عدم کارایی این مورد نقش داشته، اقتصاد است.

همانطور که می‌دانیم قیمت بالای زمین، هزینه‌های زیاد در امر زراعت و در مقابل نبود یک تضمین معتبر در قبال حفظ محصول تا زمان برداشت، نارضایتی باغدار را در درازمدت به دنبال خواهد داشت تا آنجا که در نهایت تصمیم به تخریب و تغییر کاربری آن می‌گیرد. به نظر می‌رسد در اینجا فعالیت‌هایی مشابه مواردی که در زیر اشاره شده‌اند، می‌توانند این پروسه را تا حدی تعدیل نمایند:

قیمت بالای زمین، هزینه‌های زیاد در امر زراعت و در مقابل نبود یک تضمین معتبر در قبال حفظ محصول تا زمان برداشت، نارضایتی باغدار را در درازمدت به دنبال خواهد داشت تا آنجا که در نهایت تصمیم به تخریب و تغییر کاربری آن می‌گیرد

جهت تشویق باغداران به ادامه فعالیت، می‌توان بخشی از بار اقتصادی تحمیل شده بر آنها را به روش‌هایی کاهش داد، مانند پرداخت وام‌های بی‌بهره یا کم‌بهره یا اختصاص حداقل سرانه ریالی به ازای هر نوع درخت که به شکل حقوق ماهیانه به باغدار پرداخت شود و در نهایت در قیمت نهایی محصول برداشت شده مشارکت گردد. این کار می‌بایستی با کمک ناظر و بازرسی معتبر در مراحل مختلف کشاورزی انجام گیرد. این کار یک تضمین قوی برای باغدار می‌باشد.

و از طرف دیگر نسبت به تخریب باغات حساسیت بیشتری اعمال گردد و در صورتی که مالک باغ به هر دلیلی باغ خود را تخریب کرد، جریمه‌ای سنگین از وی گرفته شود یا دوباره باغ را احیاء کند.

۲- پیشنهاد رشد درونی شهر

امروزه اکثر رونق ساخت‌وساز به دلیل مجتمع‌سازی و انبوه‌سازی است که آن نیز نیازمند یک زمین وسیع است که در داخل شهر به ندرت یافت می‌شود و همین امر باعث توسعه شهر یزد به سمت بیرون گردیده است. ولی می‌توان با استفاده از روش‌هایی مانند تجمیع قطعات کوچک یا تجمیع باغ و زمین‌های بایر در این آبادی‌ها، عرصه‌ای را برای ایجاد مجتمع‌هایی هماهنگ با بستر سبز آبادی‌ها و ایجاد سکونتگاه‌های مجموعه‌ای به وجود آورد تا در نهایت ساخت‌وساز در داخل این محلات رونق پیدا کند. رشد شهر در درون، از ایده‌های بسیار زیبایی است که خوشبختانه امکان آن در داخل شهر یزد به خصوص در همین مناطق تراکم ویژه وجود دارد و با کمی تمرکز و برنامه‌ریزی صحیح‌تر قابل دسترسی خواهد بود.

۳- پیشنهاد مشارکت مردم

یکی از دلایلی که مردم در برخی از زمینه‌ها با ارگانهای مربوطه همکاری لازم و کافی را ندارند شفاف نبودن هدف است. یا اطلاعات کافی در اختیار مردم قرار نگرفته یا مردم به هر دلیلی ذهنیت روشنی از اتمام آن کار ندارند.

همچنین زمانی می‌توان روی مشارکت مردم حساب کرد که در مقابل به آنها خدماتی ارائه شود یا

در این آبادی‌ها به سمت یک محیط منسجم و یکپارچه از بعد کالبدی، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی.

منابع و مأخذ

- کاتب، احمد بن حسین بن علی، تاریخ یزد، به کوشش ایرج افشار، پس از سال ۸۶۲ هجری.
- حمیده، سارا، نویدپور، محمدرضا؛ مقاله توسعه پایدار و برنامه‌ریزی شهرهای مناطق کویری ایران، نشریه شهرسازی و معماری هفت شهر، شماره ۲۱-۲۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۶.

- www.persian garden.ir/
- www.ecolinst.hu/html/gomor/gomor-tarten.html
- The Sustainable Village Project in Gömörszölös, Hungary, the Sociological Meaning of Biodiversity and Landscape Diversity

تسهیلاتی پرداخت گردد مسلماً مردم زمانی که هیچ فایده‌ای از همکاری خود نبینند، دلسرد شده دست از همکاری می‌کشند که همانطور که در بخش حفظ باغات و زمین‌های کشاورزی گفته شد می‌توان به روش‌های مختلف انگیزه این همکاری را ایجاد کرد.

همچنین زمانی می‌توان روی مشارکت مردم حساب کرد که در مقابل به آنها خدماتی ارائه شود یا تسهیلاتی پرداخت گردد مسلماً مردم زمانی که هیچ فایده‌ای از همکاری خود نبینند، دلسرد شده دست از همکاری می‌کشند

لذا علاوه بر مسائلی که پیامد تغییر نوع نگرش به آبادی‌های گذشته به وجود می‌آیند و به آنها اشاره شد مانند تخریب محیط طبیعی، فرسایش و فرسودگی، عدم ثبات سکونت و... می‌توان پیش‌بینی کرد که به خصوص زمانی که اصول و ضوابط خاصی جهت نحوه برخورد با این وضعیت جدید در زمینه طراحی، ساماندهی و... وجود ندارد مسائل زیادی هم در زمینه کالبدی و هم در زمینه اجتماعی - فرهنگی در پی خواهد بود که آبادی‌های پایدار به زیستگاه‌های ناپایدار بدل خواهند شد.

به نظر می‌رسد رویکرد مجددی باید صورت گیرد اولاً به منظور حفظ و توسعه این ارزش‌ها و مواریث طبیعی کشور، ثانیاً ارائه یک چشم انداز روشن و بالادست که حیات این آبادی‌ها را به سمت یک وضعیت پایدار سوق دهد که بخشی از این بار بر دوش طرح‌های فرادست می‌باشد و ثالثاً ارائه راهکارهایی جهت هدایت و کنترل تغییر و تحولات در حال وقوع